



# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمانه: ۹ صبح ۱۳ دقیقه: ۷۰

شماره نام خانوادگی	نوع دروس	نوع دروس
شماره نام خانوادگی دوم	نوع دروس	نوع دروس

نیمسال دوم ۹۷-۹۶  
رشته فقه و روای ۹۶



کد استان:	۳۹۶۲/۱۰
تاریخ:	۱۳۹۷/۰۴/۰۲
روز:	اصول فقه ۲
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقة الثالثة - شهيد صدر»
مجموعه:	جزء اول: از ابتدای درس ۳۷ تا ابتدای درس ۶۸ (ص ۳۳۹-۱۷۹)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... مدرسه: ..... شهر: ..... استان: .....

۰/۵

۱- محذور عدم امکان تعمیم حکم مستکشف از فعل معصوم (علیه السلام) در تمام حالات چیست؟ ص ۱۸۰

- الف. عدم جواز استظهار حال معصوم (علیه السلام)
- ب. عدم اطلاق در دلالت سکوت بر امضاء
- ج. عدم اطلاق در دلالت فعل
- د. عدم حصول یقین از فعل

۰/۵

۲- به نظر شهید وجه قوی تر بودن احتمال صدق در تواتر معنوی نسبت به تواتر اجمالی چیست؟ ص ۲۰۴

- الف. اضافه شدن مضعف کیفی به کمی
- ب. اقواییت مضعف کمی در تواتر معنوی
- ج. اقواییت مضعف کیفی در تواتر معنوی
- د. تنافی علم اجمالی با اطمینان در تواتر اجمالی

۰/۵

۳- بنابر اینکه روایات من بلغ در مقام جعل حجیت برای مطلق بلوغ باشد در فرض ورود خبر ضعیف بر استحباب یک فعل و خبر ثقه بر نفی استحباب آن چه ثمره عملی وجود دارد؟ ص ۲۵۴

- الف. تقدم خبر ثقه بر ضعیف به نحو ورود
- ب. استحباب واقعی اثبات می شود.
- ج. وقوع تراحم در مقام امتثال
- د. وقوع تعارض بین دو خبر

۰/۵

۴- «شروط ترتب» در چه صورتی قید وجوب است؟ ص ۳۲۹

- الف. ان کان مراداً
- ب. ان کان شرعياً
- ج. ان کان غیر مقدور
- د. انها قید للوجوب مطلقاً

۲

۵- با توجه به عبارت «التعویل علیها [الامارات الظنیة] بصدد تحصیل الشخص المأمور لمؤمن امام الآخر او تحصیل الشخص الامر لمنجز للتکلیف علی مأموره» رجوع به امارات ظنی در سیره های به لحاظ مرحله ظاهر را با ذکر مثال توضیح دهید. ص ۱۸۱ و ۱۸۲ - ۲ نمره

جواب:

رجوع به امارات ظنیه بین امر و مأمور است که هر کدام در صد ارايه حجت در برابر دیگری است به این طریق که شخص مأمور در قبال امر یک حجتی با رجوع به امارات ظنیه ارايه می کند تا مؤمن باشد و حق طاعت از امر برای مأمور ساقط می شود و از طرفی، شخص امر حجتی ارايه می کند تا منجز تکلیف نسبت به مأمور باشد و حق طاعت بر گردن او ثابت شود. پس مأمور دنبال مؤمن می گردد و امر در صد تحصیل منجز است. (۱ نمره)

مثال: امر می گوید: «اکرم العالم» اما مأمور نمی داند آیا کلمه عالم شامل کسانی که قبلاً متصف به علم بوده اند اما اکنون از آن ها زائل شده را هم شامل می شود یا خیر؟ حال هر کدام از امر و مأمور بنابر سیره عقلاء با رجوع به ظن حاصل از قول لغوی، حجت منجز یا مؤمن در برابر دیگری ارايه می کند که مثلاً لغوی، شمول را ثابت کرده یا عدم شمول. (۱ نمره)

۲

۶- با توجه به عبارت «الحالة الثانية من التواتر ان يوجد بين المدلولات الخبرية جانب مشترك يشكل مدلولاً تحليلياً لكل خبر اما علی نسق المدلول التضمنی او علی نسق المدلول الالتزامی كالاجابات عن قضايا تتضمن جميعاً مظاهر من کرم حاتم مثلاً» اقسام اشتراک در مدلول تحلیلی را با مثال بیان نمایید. ص ۲۰۳ - ۲ نمره

جواب: الف. اشتراک در مدلول تحلیلی تضمینی: مدلول مشترک جزئی از کل خبر می باشد. مثال: کان الطایون اسخیا، و قضیه کان حاتم سخياً جزئی از معنای کلی قضیه اول است.

ب. اشتراک در مدلول تحلیلی التزامی: در صورتی که مدلول مشترک لازمه خبر مخبر باشد. مثال: اقام حاتم ولیمة که لازمه میهمانی دادن حاتم، سخاوت اوست.

۷- با توجه به عبارت «هناك اعتراض يواجه الاستدلال بالسيره من ان السيره مردوع عنها بالآيات الناهية عن العمل بالظن الشاملة باطلاقها لخبر الواحد و ردّ عليه صاحب الكفاية بأن الردع عن السيره بتلك العمومات الناهية غير معقول لانه دور» به سؤالات زیر پاسخ

دهید. ص ۲۳۷ و ۲۳۸ - ۲ نمره

الف) متن فوق را به صورت روان توضیح دهید. ۰/۵ نمره

جواب: یکی از ادله حجیت خبر واحد، سیره عقلاست اما اعتراض شده که آیات ناهی از عمل به ظن که با اطلاق خود شامل خبر واحد نیز می‌شوند، کاشف از نهی از عمل به سیره توسط شارع است اما صاحب کفایه می‌گوید ردع سیره توسط عمومات قرآن، معقول نیست چرا که منجر به دور می‌شود.

ب) «دور» مورد ادعای صاحب کفایه را اثبات نمایید. ۱/۵ نمره

جواب: دور مورد ادعا دارای سه مرحله است: الف. ردع سیره توسط عمومات قرآن متوقف بر این است که این عمومات شامل خبر واحد تقه شده و نسبت به آن‌ها حجت باشد. ب. شمولیت عمومات و حجیت آن‌ها نسبت به خبر واحد تقه متوقف بر این است که مخصصی برای خارج کردن خبر واحد از تحت عمومات وجود نداشته باشد. ج. عدم وجود مخصص خبر واحد تقه از تحت عمومات متوقف بر این است که عمومات، سیره را ردع کرده باشند. پس ردع عمومات از سیره متوقف بر ردع عمومات از سیره است.

۸- با توجه به عبارت «ان المخصص المنفصل لا یکشف عن مخالفة المتکلم لظهور حاله فی استعمال الاداة فی معناها الحقیقی و انما یکشف عن عدم تعلق ارادته الجدیة بالافراد الذین تناولهم المخصص» حجیت عام بعد از تخصیص در شمول حکم نسبت به جمیع

افراد را توضیح دهید. ص ۲۸۹ - ۱ نمره

جواب: قرینه منفصله کاشف از مخالفت متکلم با ظهور حالی خودش در استعمال ادوات عموم در معنای حقیقی (شمول و فراگیری) نیست بلکه کاشف از عدم تعلق اراده جدی متکلم به افراد مشمول مخصص است پس قرینه منفصله، ظهور تصدیقی اول که همان مراد استعمالی است را زائل نمی‌کند تا استعمال مجازی پیش آید و کلام مجمل و فاقد ظهور گردد بلکه قرینه منفصله، ظهور تصدیقی ثانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و همه افراد را مراد جدی متکلم نمی‌داند.

۹- دیدگاه شهید صدر<sup>(۵)</sup> درباره قول «الاضطرار بسوء الاختیارینافی الاختیار» از عبارت «انهم [المشهور] ان قصدوا بسقوط التکلیف سقوط فاعلیته فهذا واضح و ان قصدوا سقوط فعلیته فیرد علیهم ان الوجوب المجعول انما یرتفع اذا کان مشروطاً بالقدرة مادام ثابتاً و اما اذا کان مشروطاً بالقدرة بالقدر الذی یحقق الادانة فهذا حاصل بنفس حدوث القدرة فی اول الامر» استخراج نموده و به صورت کامل

توضیح دهید. ص ۳۰۴ - ۲ نمره

جواب: از نظر مشهور، اضطرار ناشی از سوء اختیار مسقط تکلیف است شهید صدر می‌فرماید: اگر مراد آنان از سقوط تکلیف، سقوط فاعلیت و محرکیت باشد این امری واضح است و نزاعی وجود ندارد که فاعلیت تکلیف منتفی می‌شود. زیرا محرکیت متوقف بر قدرت مکلف بر تحرک است که در صورت عجز فعلی مکلف ولو ناشی از عصبان او باشد محرکیت قابل تعقل نیست اما اگر منظور مشهور، سقوط فعلیت باشد جواب این است که وجوب مجعول و فعلیت تکلیف در صورتی که مشروط بر قدرت حدوثاً و بقاء باشد در فرض زوال قدرت در مرحله بقاء، فعلیت تکلیف نیز منتفی می‌گردد اما اگر فعلیت تکلیف، مشروط بر حدوث قدرت باشد در این صورت تکلیف، فعلیت و ثبوت یافته و با از بین رفتن قدرت در مرحله بقاء، تکلیف ساقط نمی‌شود.

۱۰- ثمره بحث از امکان و امتناع شرط متأخر در حالت شک در ناقله یا کاشفه بودن اجازه مالک در عقد فضولی را توضیح دهید. ص ۳۳۳

و ۳۳۴ - ۲ نمره

جواب: در فرضی که دلیل بر شرطیت یک شیء دلالت کند و امر مردد باشد بین اینکه شرط متقدم باشد یا شرط متأخر، مثل رضایت مالک در عقد فضولی که دلیل بر شرطیت آن در نفوذ بیع دلالت دارد در این صورت اگر قائل به امتناع شرط متأخر باشیم باید ملتزم به شرطیت مقارن گردیم و در مثال بیع فضولی قائل به صحت عقد فضولی بنابر ناقله بودن شویم زیرا حمل بر شرط متأخر به معنای حقیقی آن که معقول نیست و آن را محال می‌دانیم و تأویل بردن آن به تعقب به اجازه هم خلاف ظاهر است زیرا ظاهر این است که خود رضایت مالک، شرط است نه تعقب به اجازه اما اگر قائل به امکان شرط متأخر باشیم همان ظهور در شرط متأخر را بدون هیچ محذوری می‌پذیریم و در بیع فضولی، ظاهر ادله بیانگر کاشفه بودن اجازه مالک است.